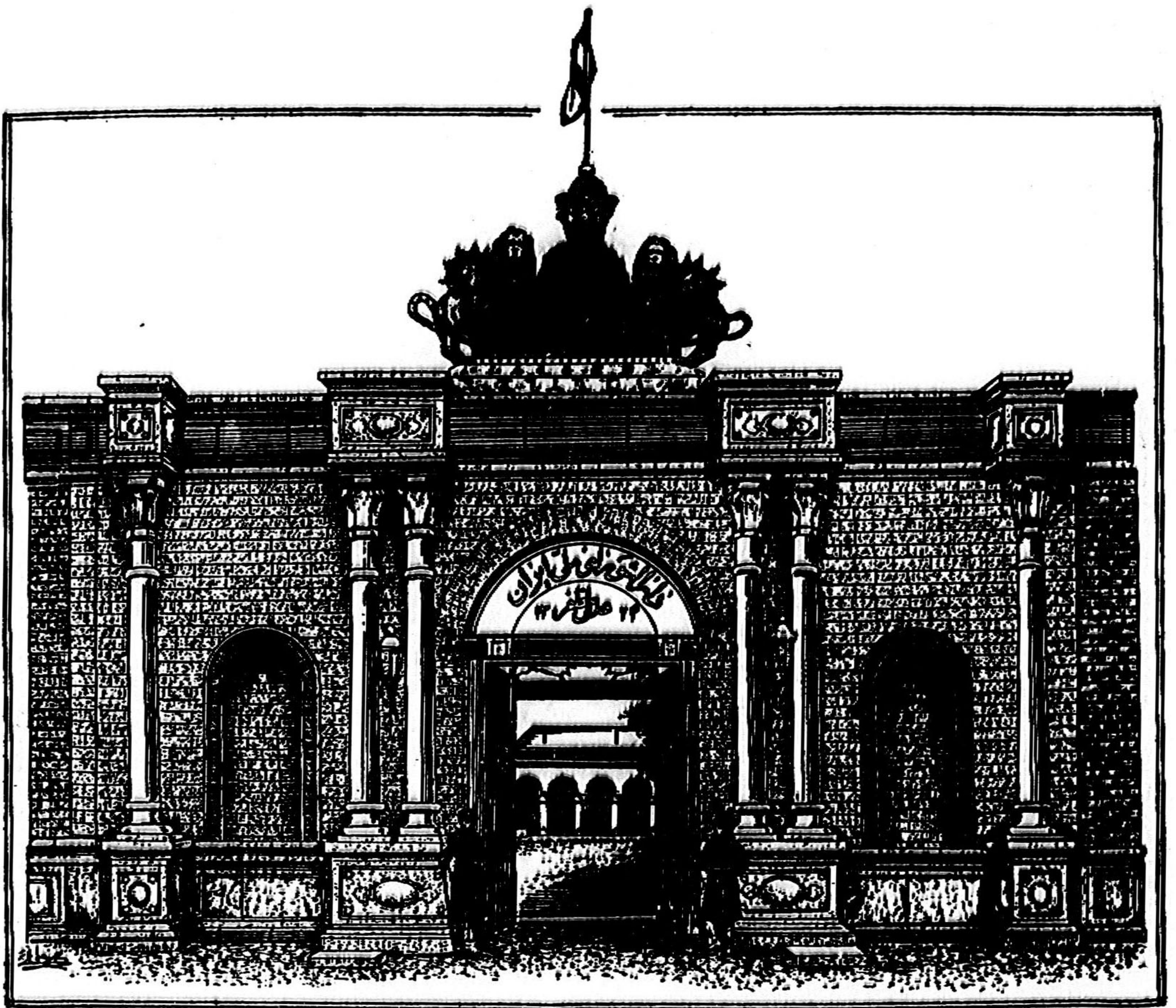


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۴۳</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۰۸</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۲۲ شهریورماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۸ ربیع الاول ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در بک شماره منتشر میشود. مطبوعه مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالبانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره بک قران</p>

فهرست مندرجات

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	سؤال آقای معتضد اسزبادی از آقای وزیر مالیه و جواب ایشان	۲۲۳۸	۲۲۴۰
۲	سؤال آقایان فهیمی و شیروانی از آقای وزیر مالیه	۲۲۴۱	۲۲۴۶
۳	سؤال آقای کازرویی از آقای وزیر داخله	۲۲۴۶	۲۲۴۷
۴	سؤال آقای آقاسید بمقوب از آقای وزیر مالیه	۲۲۴۷	
۵	شور در مواد ۴ و ۵ و ۶ و ۷ خبر کمیسیون داخله راجع به انجمنهای بلدی	۲۲۴۷	۲۲۵۵



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۲۳ شهر بورماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۸ ربیع الاول ۱۳۴۶

جلسه ۱۴۳

رئیس -- صورت مجلس ایرادی ندارد ؟
(گفته شد خیر)

رئیس -- صورت مجلس تصویب شد.

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از
ظهر بریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس سه شنبه بیست و یکم شهر بور
را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

رئیس -- آقای وزیر مالیه برای جواب سؤالات آقایان استرآبادی و فهیمی حاضرند. آقای استرآبادی معتقد استرآبادی -- بنده قبل از اینکه وارد در موضوع سؤال بشوم از موقع استفاده نموده عرض میکنم (این يك عرضی است که همه آقایان نمایندگان بامن موافقت) قانون که وضع شد باید اجرا شود والا اگر قانون وضع بشود و اجرا نشود بهتر آن است که وضع نشود زیرا وقتی قانون وضع نشد اشکال ندارد ولی وقتی وضع شد و اجرا نشد و هن قانون است. مگر آقای آقا سید یعقوب و سایر آقایان راجع بقوانینی که وضع شده و اجرا نشده يك تذکران در مجلس مقدس داده اند حتی يك روزی نظرم هست که آقای آقا سید یعقوب فرمودند من مظلومیت قانون استخدام را تذکر میدهم بنده هم میخواهم تذکر بدهم که بعضی از قوانین ما واقعاً مظلوم هستند. بنده يك فقره سؤال از آقای وزیر داخله دانستم راجع به قانون استخدام چون تشریف ندارند میگذارم برای بعد. اما سؤال بنده از آقای وزیر مالیه این است که بطور اجمال در سؤال خود عرض کرده بودم راجع به دو نفر از تجار که در استرآباد حبس شده اند بر خلاف قانون و خواهش میکنم جواب بدهند. برزی اینکه وقت مجلس زیاد تضییع نشود بطور اجمال عرض میکنم. رئیس مالیه استرآباد هزار و دویست و چهل تومان رات خریده است از یکی از تجار موسوم به میرزا رضا به مدت سی و يك روز حالا مدت چرا اینقدر تمدد است و چرا قبل از وصول پول را داده است اینها يك مباحثی است. برای اینکه هزار و دویست و چهل تومان به يك نفر تجاری که شاید معتبر تر از او تجار خیلی در استرآباد هستند نباید قبل از رسید تلگراف وصول داده شده باشد. در هر صورت این هزار و دویست و چهل تومان را رئیس مالیه استرآباد رات کرده است به طهران و طهران رات را نکول میکنند. رئیس مالیه استرآباد بدون مراجعه به طهران و رعایت قوانین جاریه

شخصاً و مستقیماً فرستاده است عقب میرزا رضا و میرزا رضا را برده دوازده روز در مالیه حبس کرده. اینجا این حرکت کاملاً ثابت میکنند که يك رئیس مالیه هم مدعی است، هم مجری است، هم قاضی، و این ترتیب البته بر خلاف تمام قوانین است. بعد از دوازده روز که میرزا رضا را حبس کرد و بر او ثابت شده که از او چیزی در نمی آید در تحت عنوان اینکه من به اعتبار وکیل التجار که یکی از تجار محترم استرآباد است (که شاید اقل صد هزار تومان دارائی دارد) داده ام میفرستد عقب وکیل التجار و او را می آورد به اداره مالیه و مطابق استشهادان که به وزارت مالیه تقدیم کرده ام چهارده ساعت او را توقیف میکنند و پولی را که میرزا رضا رات فروخته قبض از وکیل التجار میگیرد به عنوان این که من به اعتبار تو فروخته ام. و در این مدت این شخص مشغول استشهادات بود و تلگرافات متعددی به وزارت مالیه و ریاست وزراء نموده و تظلم کرده است که يك براتی را که میرزا رضا فروخته و پولش را او گرفته به من چه ربطی دارد؟ قبض جبری چرا از من گرفته اند؟ راجع به این موضوع بنده هم مراجعه کردم به خزانه و آقای وزیر مالیه بعد از یکماه يك تلگرافی از خزانه صادر شد که پول را از وکیل التجار بگیرد. خیلی چیز عجیبی است رات را میرزا رضا فروخته است پولش را باید وکیل التجار بدهد. اگر رئیس مالیه استرآباد وکیل التجار را مسؤول میدانست به چه مناسبت اول میرزا رضا را دوازده روز حبس کرده؟ و اگر میرزا رضا را مسؤول میدانست بچه مناسبت وکیل التجار را آورد و قبض از او گرفت و پول را از او مطالبه کرد. در اثر این تلگراف خزانه وکیل التجار را که یکی از تجار محترم است برده اند به نظمی و تقریباً هفت هشت روز در نظمی حبس بوده و این قضیه در اوقاتی بوده است که مجلس تعطیل بود خود بنده رفتم خدمت آقای رئیس الوزراء و آقای رهنا و

مراتب را در تحت عنوان شکایت از خزانه عرض کردم و بالاخره چون این شخص در نظمی حبس بود مجبور شدم به آقای رئیس الوزراء و آقای رهنا عرض کردم که من هزار و دویست و چهل تومان را به شخص آقای رئیس الوزراء امانت میدهم یا بهرکس که در استرآباد معین کنند میدهم و بعد اگر ثابت شد که این پول را وکیل التجار باید بدهد چون آدم معتبری است ممکن است پنج برابر اضافه بدهد و اگر ثابت شد که میرزا رضا باید بدهد که دیگر مربوط به وکیل التجار نیست به ای نحو کان رئیس مالیه استرآباد خلاف قانون کرده و خزانه هم نباید کرده است آن خلاف قانون را بالاخره با مساعدت آقای رئیس الوزراء يك تلگرافی از اینجا به استرآباد مخبره شد که هزار و دویست و چهل تومان پیش حکومت استرآباد امانت بگذارند تا به موضوع رسیدگی شود و این وجه هم حالا به امر آقای رئیس الوزراء پیش حکومت امانت گذاشته شده است و تقریباً پانزده روز هم هست که مجلس باز شده ولی موضوع همینطور باقی است. میخواستم عرض کنم که اگر این حرکت رئیس مالیه بر خلاف قانون نیست بفرمایند و اگر هم بر خلاف قانون است يك رئیس مالیه حق ندارد هم قوه مجریه و هم قوه قضائیه و هم مدعی باشد. این چیز غریبی است!! این است که سؤال کردم از آقای وزیر مالیه و بعد از جوانی که فرمودند اعم از اینکه بنده متقاعد بشوم یا نه از ایشان خواهش میکنم که این عمل را بيك طوری خاتمه بدهند. چون این وجه در آنجا معطل مانده و معلوم نیست کی باید این وجه را بدهد بعلاوه اگر بنا شد این پول را میرزا رضا بدهد خود او دو هزار و پانصد تومان از دولت طلب کار است ممکن است از آن وجه بدهد. این بود سؤال بنده از آقای وزیر مالیه.

وزیر مالیه -- بنده خیلی متأسفم که مبنای اظهارات نماینده محترم يك قسمتش مبتنی بر يك اطلاعات است

میکنم. در بین این مدنی که معین شده بود وکیل التجار تمام برنج ها را میفروشد و بعد هم میگوید به زور از من سند گرفته اند. این شد و نا اولی به يك شکل کلاه برداری میکند دومی به شکل دیگر میخواهد کلاه دولت را بردارد. تکلیف مالیه چیست؟ باید بگذارند يك اشخاصی بعنوان اینکه ما معامله میکنیم، ناچر هستیم، برات میفروشیم پول دولت و مالیات مؤدبان که باید بصندوق عمومی بیاید بخورند؟ اینکه نمیشود. از آنطرف هم آقایان میدانند همیشه ما خودمان سعی میکنیم و آقایان هم تأکید میکنند تا وقتیکه تجار خودمان هستند و اینها میتوانند پول دولت را برسانند و از این راه هم آنها استفاده کنند و هم دولت چرا پول را به بانک های خارجی بدهید؟ بنده چه کنم که يك همچو اشخاصی پیدا میشوند که بکلی اعتبار را از بین میبرند و ادارات دولتی مجبور میشوند برای معاملات خودشان را بیندازند به دامان بانکهای خارجی و مخصوصاً این قضیه بیشتر تأثیر بد میکند اگر اینطور تعبیر شود که این قبیل اعمال هوا خواه و مدافعی پیدا میکند. در نتیجه بعد از اینکه این وکیل التجار در تحت تعقیب در آمد به اینجا مراجعه کردند و از اینجا دستور داده شد که به وسیله مجاری قانونی بوسیله نظمی و نمایندگان عدلیه و مراجعه به حکومت و هر وسیله که هست پولتان را از وکیل التجار بگیرد و تلگرافانی هم به حکومت شده و دستور داده شده است و بر حسب دستور آقای رئیس الوزراء حکومت هم وکیل التجار را آورده و سخت گیری کرده و بالاخره پول مالیه را وصول کرده و به صندوق مملکت هم عاید شده است.

معتضد استرآبادی - بیانات وافی و کافی آقای وزیر مالیه متأسفانه بنده را متقاعد نکرد برای اینکه در جزء به جزش اینطور که فرمودند نیست. اولاً فرمودند اینکه سی و يك روزه برات خریده است و پول را قبل از وصول داده است عیب ندارد. بنده عرض نکردم که

عیب دارد. بنده عرض کردم که معمول این است تا خبر وصول برات نرسد پول داده نمیشود و بر فرض هم اینطور نباشد سی و يك روز مدتی برات بوده و در مدتی سی و یکروز البته بایستی منتظر بشود که خبر برات بیاید. سی و يك روز برات فروختن معلوم است که آن اعتباریکه باید و شاید ندارد. راجع برنج هم که فرمودند اینطور نیست. میرزا رضا هیچ برنج ندارد تمام اهالی استرآباد میدانند. استشادهم که بنده عرض کردم حاضر است. میرزا رضا بقدر ده مقال هم برنج در استرآباد نداشته است. دفتر تجارتیش هم حاضر است که يك سیر برنج از جائی نخریده است. و در اثر همان عرضی که کردم برنج مال خود وکیل التجار بوده و البار او را توقیف کرده اند. اینکه فرمودند خودش سند داده است اینطور نیست چهارده ساعت او را توقیف کرده اند و از او به زور سند گرفته اند و از تمام علماء و تجار استرآباد هم استشهاد کرده اند که هم در وزارت مالیه و هم در پیش بنده موجود است و ممکن است بمقام محترم ریاست هم ارائه بدهم. و اینکه فرمودند به نظمی استرآباد دستور داده شده است. استرآباد اصلاً نظمی ندارد. اگر مسؤول میرزا رضا بوده به وکیل التجار حقی نداشته اند و اگر وکیل التجار مسؤول بوده است چرا میرزا رضا را حبس کرده اند. بعلاوه رئیس مالیه حق ندارد که بکنفر در خود مالیه حبس کند و از او سند بگیرد. دوازده روز میرزا رضا را حبس کرده اند و ده روز وکیل التجار را و یکی از اینها بر خلاف قانون بوده است.

آقا سید یعقوب - بنده عرض دارم. نظامنامه دارد مظلوم واقع میشود.

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - میخواستم عرض کنم مطابق نظامنامه وقتی که بکنفر نماینده سؤال میکند پس از جواب وزیر باید مختصراً توضیح بدهد. برای اینکه سابقه نشود عرض کردم.

رئیس - آقای عمادی

عمادی - بنده هم در همین موضوع میخواستم عرض کنم وقتی که مطلب معلوم شد که از امور حقوقی است و وقتی که معلوم شد وزیر مسؤول تحقق امر است باید مطلب بمواقع مربوطه قانونی مراجعه شود.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - در چندین قبل حاج نمازی که یکی از تجار جنوب است کارخانه مرفین سازی وارد کرده که سوخته تریاک که از اینجا خارج میشود مرفین آن را بگیرند و البته این مسئله هم يك صرفه از حیث جرائم و غیره داشته و هم از بابت مخارج ورود و خروج و از قرار معلوم اداره مالیه کارخانه را توقیف کرده است و نگذاشته است و بنده دلایلی برای این نمانعت بنظرم رسید مگر اینکه خواسته اند فقط از ساختن و انتشار مرفین در داخله مملکت جلوگیری کنند و این را ممکن بود از راه دیگری جلوگیری کنند یعنی اجازه بدهند مرفین را بسازند نهایت يك مقدار که برای مصارف داخله لازم است نگاه دارند و بقیه را حمل بکنند بخارجه. علت اینکه مانع این کار شده اند در صورتیکه انحصار هم نبوده است چه بوده خواهش میکنم آقای وزیر مالیه توضیح بدهند ما هم اطلاع پیدا کنیم.

وزیر مالیه - يك کارخانه مرفین سازی همانطوری که اظهار کردند حاجی نمازی وارد کرده بود بشیراز و میخواست از تریاک جوهر کشی کند و چون اینمطلب يك مسئله خیلی مهمی بود و میبایستی نظارت و کنترل دقیق از طرف ادارات دولتی بشود و طوری نباشد که مرفین زیادی تحصیل بشود و بطور قاچاق در مملکت منتشر بشود و بالاخره موجب این بشود که يك اشخاصی معتاد مرفین بشوند از طرف وزارت مالیه این کارخانه توقیف شد. بعد از مذاکره با حاج نمازی اجازه داده شد که این کارخانه با اختیار او گذارده شود با قید این که عصاره نباتات دیگر را تحصیل کنند و مرفین

سازند فعلاً هم در وزارت مالیه بر حسب همان پیشنهاد هائی که از طرف ایشان رسیده بود مشغول مطالعه هستند برای اینکه ببینند برای کارخانه مرفین سازی و کنترل کارخانه مرفین سازی چه نظامانی را باید اتخاذ کرد و البته اگر از این حیث نظر مثبتی اتخاذ شود میشود اجازه داد که تهیه مرفین بکنند

رئیس - آقای شیروانی سئوالی از وزیر مالیه دارید بفرمائید.

شیروانی - اهمیت تریاک از نقطه نظر تجارت و فلاحات برای ایران يك موضوعی است که تصور میکنم برای هیچیک از آقایان نمایندگان قابل توضیح و تشریح نباشد در این موضوع البته تمام اهالی مملکت از نقطه نظر حیات اقتصادی ایران علاقه مند هستند ولی آقایان تجار مجلس مخصوصاً میدانند که اصفهان يك علاقه خاص و شدید نسبت به این موضوع دارد. زیرا قطع نظر از اینکه شهر اصفهان و نوابغ محل زراعت تریاک است و مقدار زیادی تریاک در آنجا زراعت میشود يك قسمت مهم تریاک که بخارجه حمل میشود در کارخانجات اصفهان تیاری میشود و تجار و اهالی اصفهان هر دو علاقه مند بمسئله تریاک هستند بنده بطور اختصار در مقدمه سؤال لازم است يك مذاکرانی راجع به این موضوع بکنم. تریاک از نقطه نظر فلاحتی يك مال التجاره است برای این مملکت که ما باین زودی و بدون مطالعه نمیتوانیم از او دست بکشیم تریاک در يك موقعی زراعت میشود که آب برای هیچیک از زراعتهای ما لازم نیست و در آن فصل ما میتوانیم زراعت تریاک بکنیم و در حقیقت موقعی که آب هر زمینی رود ما می توانیم از این زراعت استفاده کنیم. تریاک علاوه بر اینکه خودش يك مال التجاره مهمی است زمین هم برای زراعت ما تهیه میکند یعنی در جاهائی که تریاک کاری معمول است خریداران املاک و بیشتر از اربابها زمینی که تریاک در آنجا زراعت میشود علاقه مند هستند. تریاک تنها زراعتی است که

برای زارع پول تهیه میکند یعنی از سایر زراعت ها از قبیل گندم و برنج و سایر حبوبات نمیتواند چیزی تهیه کند زیرا فقط سهم زارع به اندازه مصرف داخلی خودش است ولی تنها زراعتی که برای زارع پول تهیه میکند تریاک است در چه موقع این پول بدست زارع میرسد یکی در موقعی که میخواهد سایر محصولات خودش را ضبط کند . یکی وقتی که مزد باید بدهد برای سایر زراعت ها آن موقع موقع فروش تریاک است که در آن موقع باید تریاک را بفروشد و سایر محصولات خود را ضبط کند بنا بر این از نقطه نظر فلاحی تریاک برای زارعین این مملکت يك موضوع حیاتی است که ما نباید مطالعه کاملی در این خصوص نکنیم و يك مال التجاره دیگری را جانشین این مال التجاره نکنیم به این حرفها نمی توانیم از آب صرف نظر کنیم و اما از نقطه نظر تجاری چون همانطور که عرض کردم اصفهان و اهالی اصفهان در جریان تریاک هستند و شاید اشخاصی هم که مثل بنده هستند یعنی نه تاجرند و نه زراعت تریاک دارند اطلاعات کافی در این خصوص دارند اینها چیز هائی است که بنده کاملاً میدانم و البته اطلاعات بیشتری که لازم است یعنی جزئیاتش را ممکن است آقای کازرون و آقای حاج امین التجار و اشخاصی که هر روزه داخل در داد و ستدش هستند بفرمایند . همینقدر بنده میدانم که در اصفهان متجاوز از ده هزار نفر تاجر و اعضاء تجارتخانه و دلال و شاگرد از این مال التجاره در سال زندگانی و اعاشه میکنند که هر يك از اینها دارای ده نفر ، پنج نفر ، هفت نفر عائله هستند پس میشود گفت که صد هزار نفر اهالی شهر اصفهان از تجارت تریاک ارتزاق میکنند

آقا سید یعقوب - فارس هم همینطور است .

شیرازی - بله خیلی از نقاط همینطور است ولی چون بنده داخل در جریان اصفهان هستم از این جهت اصفهان را عرض میکنم . پس در هر شهری نان صد هزار نفر را قطع کردن

صادرات این مملکت دو قلم درشت دیده میشود یکی نفت است و یکی تریاک است و فعلاً فقط يك طوری است که حالا باید در این موضوع هم بحث کرد و راجع به نفت در حقیقت ما خودمان را فریب میدهیم که جزء صادرات ایران است برای اینکه يك لوله نفتی از يك چاهی سرحد کشیده شده است و در آنجا سر لوله گذارده میشود در کشتی بدون اینکه ما خبر داشته باشیم وزن آن چیست قیمت آن چیست فقط يك صورتی هر طور دل خودشان میخواهد مینویسند . بنده در کمیسیون بودجه هم عرض کردم که ما کاملاً نتوانستیم باین موضوع رسیدگی کنیم و تا امروز هم دولتهای مابین این موضوع رسیدگی نکرده اند و از این جهت است که در کمیسیون بوجه هم ماعایدات نفت جنوعان را بطور علی الحساب تلقی کرده ایم برای اینکه هنوز رسیدگی نکرده ایم در هر صورت نفت زیادی از این مملکت بیرون میرود بدون اینکه پولش در اینجا مصرف شود و در خارجه مصرف میشود بنابر این این را ما نمیتوانیم جزء صادرات مملکت حساب کنیم . فقط در ذیل او يك قلم درشت دیگری هست که آن تریاک است و تریاک هم آنچه که استاتستیک گمرکی بما نشان میدهد از سنه ۱۳۰۱ تا امسال که ۱۳۰۶ است در هر سالی به تفاوت از نه میلیون تا پانزده میلیون بطور مرئی پول به این مملکت وارد کرده . در صورتیکه در کمیسیون بودجه در این موضوع عرض کردم که اگر از این مبلغ زیاد تر نباشد معادل همین مبلغ هم بطور غیر مرئی پول وارد این مملکت میکنند و میتوانیم بگوئیم که بطور کلی تریاک در سال سی میلیون پول وارد این مملکت میکند بعد وقتی که از تریاک گذشتیم به خشکه بار و سایر چیزها مان برسیم که دیگر صحبت از يك میلیون و دو میلیون نیست صحبت از صد هزار و پنجاه هزار و چهار صد هزار و دوست هزار تومان است و دیگر به اقلام درشت تصادف نمیکیم . این است که در نتیجه وقتی که ما صادرات و وارداتمان مراجه

کردیم در سال گذشته یعنی ۱۳۰۴ را در نظر گرفتیم و دیدیم صدی هشتاد و پنج واردات این مملکت بیشتر از صادراتش است و این يك چیزی است که چشم را خیره میکند و معلوم نیست که این مملکت را به کجا سوق خواهد داد . بنده شنیدم در این قرار داد تجارتی ایران و دولت شوروی یکی از موادش این است که وقتی میخواهند مبادله جنس بکنند گویا بین دولت و نماینده های دولت شوروی این مذاکره بوده است که دولت ما میخواسته است صدی بیست صادرات ما بیش از واردات آنها باشد و آنها صدی ده مذاکره میکردند و بالاخره گویا . بحد وسط قائل شده اند و به صدی پانزده حاضر شده اند که از ما اجناس قبول کنند و کمتر جنس بدهند . یعنی ما صد میلیون منات جنس صادر کنیم و هشتاد و پنج میلیون منات جنس وارد کنیم و این البته در نتیجه جنگ بین المللی و در نتیجه بحرانهای سیاسی که در دنیا پیدا شده است ما از يك سرحد مهم میتوانیم این استفاده مهم را بکنیم و این مسئله شاید در تاریخ تجارت ما سابقه نداشته است . در يك سرحد ما اینطور است یعنی صدی پانزده بیشتر مال التجاره صادر میکنیم و در سرحد دیگر ما درست قضیه معکوس است یعنی از آنجا صد میلیون مال التجاره وارد این مملکت میشود و پانزده میلیون از این مملکت صادر میشود و اگر این قرار داد انشاء الله بزودی بگذرد و يك مدتی طول بکشد و عمل شود تازه ما باید از يك سرحدمان استفاده کنیم و از آنطرف باید صرف سرحد دیگرمان کنیم آنوقت تازه زندگانی ما تعدیل میشود در صورتیکه مملکت مادارای مواد خام است و اگر انشاء الله بگذرد دولتتهای ما بخودشان تکیه بدهند ما می توانیم بکسب مهم دنیا مال التجاره بدهیم متأسفانه يك همچو معامله هنوز نشده و احصائیه گمرکی نا بحال آنچه بما نشان میداده این است که در سال در حدود صدی پنجاه و صدی شصت و هفتاد و هشتاد و هشتاد و پنج وارداتمان

زیادتر از صادراتمان بوده است و حالا این صدی پانزدهمی هم که ما از جنوب مال التجاره صادر می‌کنیم چیست؟ وقتی که خوب وقت باقی‌امان حاصل می‌گردد بکنیم تقریباً صدی دوازدهم زیاد است که این را میخواهند از ما بگیرند. بعد از ذکر این مقدمه عرض میکنم که بنده در اصفهان بودم که در جراید خوانده شد که از طرف دولت کلنل ماک کرماک که از مستخدمین سابق آمریکاها بوده است از آمریکا احضار شده است و با امر داده شده است در موضوع مذاکره تریاک ایران در مجمع اتفاق ملل ایشان از طرف دولت نماینده باشند و بروند در مجمع. این خبر مثل یک صاعقه در شهر اصفهان صدا کرد چرا برای اینکه در مسافرت اول کلنل ماک کرماک و ماموریتی را که از طرف دولت داشت و مخصوصاً مجلس شورای ملی آن ماموریت را برسمیت نشناخت و کمیسیون هم از طرف مجلس در وزارت مالیه خواستند بنده هم در آن کمیسیون عضویت داشتم در آنجا تصریح شد که این ماموریت بهیچوجه من الوجوه در تصمیمات دولت و ملت ایران نسبت بعمل تریاک مؤثر نیست و ایشان در آن مسافرت در مجمع اتفاق ملل مذاکرات امید بخش نکرده بودند و مندرجات جرائد سابق راجع مذاکرات ایشان در مجمع اتفاق ملل بیشتر وحشت انداخته بود این خبر در آنجا خیلی سوء اثر کرد حتی تصور میکنم که تلگرافاتی هم در این باب اهالی بدولت کرده باشند و اعتراضاتی کرده باشند باین مأموری که برای این مأموریت معین شده است. حالا بنده کار ندارم به اینکه اساساً وقتی یک مأموریت رسمی به بکنفر از اتباع خارجه داده میشود باید منحصرأ با اجازه مجلس شورای ملی باشد. کلنل ماک کرماک کنترانش خانم پیدا کرده است و بکنفر خارجی است و اگر او را نخواهند به یک مأموریتی بفرستند باید به اجازه مجلس باشد و کنترانش در مجلس تصویب بشود آنوقت برود به مأموریت. بنده خیلی

خوشوقت هستم که ایشان مأمور رسمی ما نبوده اند برای اینکه تبعه خارجه هستند و کنترانشان هم خانم پیدا کرده و در آنجا هم هرچه بگویند مؤثر نیست. بنده میخواستم از وزیر محترم مالیه سؤال کنم که اولاً بچه مناسبت یک همچو مأموری معین شده است و فرستاده شده است و در صورتیکه لازم است که حقیقه در این باب ما در مجمع اتفاق ملل مذاکره کنیم و نماینده داشته باشیم چرا از اتباع داخل بکنفر را معین نمیکنید؟ و بالاخره در مجلس شورای ملی باید یک تصمیماتی در این باب ایجاد شود که ما بگوئیم با یک شرایطی در یک مدتی ما میتوانیم در باب تریاک داخل مذاکره شویم و بنده این جمله را عرض میکنم. و بعرضم خانم میدهم: به نماینده هائی که از مجمع اتفاق ملل آمده بودند راجع باین مسئله بنده یک جمله گفتم که بعد بهمین ماک کرماک هم گفتم که همین جمله را شما در مجمع اتفاق ملل مذاکره کنید بنده تصور میکنم موضوع حل شود همان نماینده ها هم تصدیق کردند. بنده بآنها گفتم یک بار تریاک که عبارت از دو صندوق باشد از هفتصد تا هزار تومان قیمت دارد یعنی حداقل آن هفتصد تومان است و حداکثر آن هزار تومان. از اصفهان با پنجاه تومان با چهل تومان کرایه در مدت بیست روز بسرحد بوشهر میرسد ما وقتی میتوانیم دست از این زراعت بکشیم که هر مال التجاره ایران را که معادل هفتصد تومان یا هزار تومان است بتوانیم با همین کرایه در همین مدت بیکی از سرحدات مملکتمان رسانیم یعنی هفتصد تومان بکنم یا جو یا کتیرا و بالاخره هفتصد تومان ارزان ترین مال التجاره ها، خودمانرا بتوانیم با چهل تومان کرایه در این مدت بسرحد رسانیم ولی این یک مال التجاره کم وزن و گران قیمت است و این مقصود منحصرأ با داشتن راه بعمل میآید. ما هر وقت توانستیم و اگر هابمان را از اصفهان به بوشهر حرکت بدهیم و با چهل تومان کرایه هفتصد تومان بکنم به

سرحد رسانیم ما حاضریم با نهایت خوشوقتی اطاعت و استقبال کنیم یک همچو تصمیمی را. ولی امروز که مال التجاره ما منحصرأ تریاک است و میتوانیم با پنجاه تومان کرایه هفتصد تومان مال التجاره را بیکی از سرحدات رسانیم با اینکه راه نداریم ممکن نیست ما زیر بار این تحمیل کمر شکن برویم مجمع اتفاق ملل که عبارتست از نماینده های اولین دول سرمایه دار دنیای یک کمک خیلی مختصری بما بکنند و آن اینست که برای امتداد یک خط از یکی از سرحدات ایران بسرحد دیگر یک پولی فقط بدون تنزیل بما قرض بدهند. اعانه و کمک هم نمیخواهیم. محل استهلاكش را هم بانها نشان میدهم ما از عایدات قند و شکر در سال شش میلیون عایدی داریم. یک خطی که از یک سرحدی امتداد پیدا کند در حدود دویست دویست و پنجاه میلیون خرج دارد. ما سالی شش میلیون استهلاكاً میدهم. فقط از ما منفعت نگیرند. این دول سرمایه دار که طرفدار بشر هستند، طرفدار حفظ الصحه بشر هستند و میخواهند افراد را از این سم مهلك نجات بدهند و بنام بشر برسی میخواهند با زده میلیون افراد بشر را محو کنند باینند یک همچو کمکی بما بکنند که ما راه آهن خودمان را زودتر امتداد بدهیم. آن روزی که این کار شد و سرحدات ما بهم اتصال پیدا کرد و توانستیم هفتصد تومان مال التجاره را با چهل تومان کرایه بیکی از سرحدات رسانیم با نهایت میل حاضریم زراعت تریاک خودمان را ترك کنیم و الا بنده از طرف تمام اهالی این مملکت این جا عرض میکنم که هر تصمیمی راجع بقسمت تریاک در مجمع اتفاق ملل گرفته شود کاذب بکنم و بلا اثر است.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

وزیر مالیه - در اظهارات نماینده محترم بنده دو قسمت تشخیص میدهم و جواب هر یک را جدا عرض میکنم. قسمت اول راجع به اصل موضوع مطلب است

یعنی اهمیت زراعت تریاک از نقطه نظر این مملکت و اهالی این مملکت. البته در این قسمت آقایان مستحضرنند که این مطلب سابقه مذاکره در مجلس دارد و خود بنده یکی دو مرتبه پشت همین زیربون برای اظهار همین مسائل آمده ام و عرض کرده ام که دولت متوجه اهمیت این مطلب از نقطه نظر اقتصاد، زراعت و تجارت این مملکت هست و البته در هیچ موقع و مورد و هیچ عنوان و برای هیچکس و هیچ مرکزی منافع مملکت خود و منابع حیاتی افراد خودش را از دست نخواهد داد. مأمورین ما الان در همین موقع که بحث میکنیم در جامعه ملل هستند و در دستور جامعه ملل یکی از مسائل مهم که مطرح است مسئله تریاک ایران است. مأمورین ما هم که البته آقایان مسبقاً آقایان فروغی - علاء و فهیم الدوله از مأمورین رسمی ما هستند کاملاً از تمام این جریانات مسبق هستند و دستورات لازمه هم بانها داده شده است و دولت هم چنانچه آقایان ملاحظه فرمودند در نتیجه مذاکره اول در شورای جامعه راجع به تریاک ایران شده بود و ایرانی که مأمورین اعزامی جامعه تهیه و تقدیم کرده بودند دولت در شورای جامعه یک نظریاتی اظهار کرد ولی در مقدمه آن نظریات و در نتیجه آنها به شورای جامعه تذکر داد و نوشت که این اظهاراتی را که دولت میکند از نقطه نظر توافق بایک اصول مسلمه است و راههایی که دولت تصور میکند که از آن راه ها میتواند منافع خودش را وفق بدهد با مصالح عمومی ولی مقید گردیده اینکه نظریات دولت در این باب نمیتواند قابل اجرا شود مگر اینکه بهسورت قانونی در بیاید و قانون هم بالاخره پیشنهادش را دولت میکند و تصویبش باید در مجلس بشود چنانچه دولت هم باین عهد خود و باین تعهد خود در شورای جامعه وفا کرد و حتی قبل از این که انتظار این را بکشد که آیا جامعه و شورای او نسبت به تعهدات و عهود خودشان همانطور که ما ایفاء کردیم آنها هم می کنند یا نمیکنند در صورتیکه عقلاً و مطلقاً این دو مطلب

بهم متصل است دولت بعهده خود وفا کرد و بک پیشنهادی که در نظر داشت در ضمن يك لایحه قانونی به مجلس تقدیم کرد و الان هم در کمیسیون قوانین مالیه آن قانون مطرح است. حالاً هم که مذاکراتی در جامعه ملل جریان دارد نمایندگان ما بر طبق دستور بکه از ما دارند و بر طبق اطلاعات کاملی که از اوضاع مملکت ما دارند همیشه منافع ما را حفظ و مدافعه میکنند و هیچ چیزی که موجب اضرار باشد قبول نخواهند کرد و اگر هم خودشان نظراً موافقت کنند چنانچه در سابق ما خودمان موافقت کرده بودیم باز نتیجه آن همین خواهد بود که قانونی را که ما در سابق به مجلس داده بودیم و الان مطرح است تعقیب کنیم و بیاوریم به مجلس علنی و آقایان در آن اظهار نظر کنند و بیشتر از این بنده در این قسمت نمیتوانم توضیح عرض کنم برای اینکه از جریان فعلی جامعه مطلع نیستم که باندازه کافی بتوانم اینجا عرض کنم

قسمت دوم فرمایشات نماینده محترم مربوط بود به قسمت مأمورین و نمایندگان دولت و طرز رفتار دولت در مسائل بین المللی اینجا بنده مجبورم تذکر بدهم خدمت آقای شیروانی و مجلس محترم که البته این قسمت از وظایف اولیه قوه مجریه است و در تحت مسؤلیت خود قوه مجریه است و مجلس مسؤلی در این قضیه غیر از وزراء کسی را ندارد. وزراء هم بمسؤلیت خودشان مأمورینی را که میخواهند و هر کس را که صلاح میدانند خواه برای نمایندگی خواه برای تخصص و مشورت انتخاب میکنند ولی مسؤل در مقابل مجلس که نمایندگان ملت هستند خود دولت و اشخاص بکه آن مأمورین را معین کرده اند هستند. بنده در این جا البته نمی خواهم از این مرحله بگذرم بدون اینکه يك قضیه دیگری را از نقطه نظر حقیقتی اظهار کرده باشم. بک مرتبه دیگر بنده در پشت همین تزیین اظهار قدر دانی کردم از کلنل ماک کرماک که در آن موقع هم نماینده فنی و مشاور

مأمورین دولت بود ولی این دفعه هنوز مذاکرات تمام نشده است و نمیتوانم اظهار عقیده بکنم ولی دولت مشورت فنی نمایندگان خودشرا هم که این دفعه به کلنل ماک کرماک مراجعه کرد بواسطه این بود که آن دفعه از اظهارات و نظریات و اقدامات او کاملاً راضی بود و امیدوارم این دفعه هم چه مأمورین رسمی ما و چه مأمورین فنی ما که منحصر به کلنل ماک کرماک هم نیست و مأمورین دیگر هم داریم ایفاء وظیفه کنند که موجب رضایت همه بشود.

شیروانی - قسمت اول توضیحات آقای وزیر محترم مالیه کاملاً بنده را قانع کرد و تصور میکنم مجلس شورای ملی را هم قانع کرده باشد ولی در قسمت دوم تصور میکنم این مسئله نظری نیست در هر صورت بنده خالاً نمیخواهم داخل جزئیات بشوم ولی نظرم این بود که اگر بعنوان مأمورین دولت ایران يك شخص خارجی بمقامی فرستاده میشود منحصرأ باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد.

رئیس - آقای کازرونی هم سؤالی داشتند کازرونی - اجازه میفرمائید؟ از آقای وزیر داخله سؤال دارم رئیس - اول سؤال بفرمائید که برای جواب حاضراند؟

کازرونی - بنده قبلاً صورت سؤال را داده ام وزیر داخله - بنده که هنوز مسبوق نشده ام کازرونی - الان عرض میکنم: عرض بنده خیلی ساده و مختصر است و چندان محتاج مراجعه بآن دوسیه ها نیست. عرض بنده این است که اولاً بنده شنیدم انجمن بلدیة فارس را والی فارس منحل کرده بعد هم شنیدم از طرف دولت اجازه داشته. از طرف آقای رئیس الوزراء یا غیر ایشان. و البته برای بنده خیلی حقیقتاً سنگین بود اگر زود باور میکردم و نباید سنی باور کنم الان هم که این عرض را میکنم نمیتوانم باور کنم که قوه مجریه ما بر خلاف قوانین مملکتی يك حکمی صادر بکند. این تقریباً يك

پیام غیر مرضی و غیر مطلوبی است. آقای آقا سید اظهار کردند که بقراریکه آقای وزیر داخله و غیره فرموده اند جبران خواهند کرد. در هر صورت البته جبران میشود اما نمیدانم چطور جبران میشود که اگر يك کسی بک سبیلی بصورت کسی زد چه باید کرد برای جبران؟ در هر صورت خواستم آقای وزیر محترم داخله توضیح بدهند که راستی واقعیت دارد و ممکن است باور کرد که دولت حکم بکند يك مؤسسه ملی قانونی را بر خلاف قانون منحل بکنند؟ و اگر این طور است چطور باید از دیگران انتظار داشت که متابعت از قانون بکنند؟ چون امیدوارم واقعیت نداشته باشد و سؤالی که کردم برای این است که آقای وزیر داخله توضیح بدهند که اسباب آسودگی و آسایش خاطر بنده و سایر مردم بشود

وزیر داخله - اولاً راجع به انجمن و بر هم زدن بلدیة بنده که همچو اطلاعی ندارم و از وزارت داخله هم همچو حکمی صادر نشده است بلکه هیچوقت نخواهد شد و اگر هم آنجا اقداماتی شده باشد بنده چون توضیحات خواسته ام و اقدامات کرده ام منتظرم که نتیجه گرفته شود و بعد نتیجه را این جا عرض میکنم و این فرمایشاتی که فرمودند بنده تصور نمیکم حقیقت داشته باشد.

آقا سید یعقوب - آقای وزیر مالیه برای جواب سؤال بنده هم حاضرند رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - اطلاعات ما از جریانات مملکت همان است که در روزنامهجات می بینیم. آقایان وزراء هم که کمتر تشریف می آورند در مجلس و کمیسیونها. روزنامهجات فارس وسیله اطلاع ما از وضعیات فارس است. مخصوصاً روزنامه گلستان شرح مفصلی نوشته است که معاون مالیه فارس که مصطفی خان باشد در تحت هیچجه ماده از دوسیه و اسنادی که از خود مالیه تحصیل شده. (حالاً بنده به اختلاس و عملیات خلاف قانون تعبیر

نمیکم) ولی اینها در واقع تصرف در وجود عمومی بدون اجازه قانونی است. خواستم از آقای وزیر مالیه سؤال کنم که در این باب آیا استحضاری دارند یا نه؟ اگر دارند چه اقداماتی در این باب کرده اند؟ خزانه مملکت این جور باید باشد؟! که بعد از مدتی يك وقتی می فهمیم که در بانک شاهنشاهی بحساب بعضی ها پولهایی گذاشته شده است تعقیب هم میکنیم میگوبند پول شخصی است. آیا در این باب چه اقدامی کرده اند و تفصیل چیست؟

وزیر مالیه - اگر چه مفهوم میشود که اصل موضوع سؤال يك اظهار لطف و محبت خاصی نسبت به بنده و سایر همکاران بنده بود. اما در موضوع مصطفی خان (منتخب المملک) که اظهار فرمودند مسائلی که در روزنامهها نوشته شده مورد تحقیق و تفتیش است ولی يك مطالبی که مربوط به روزنامه نبود و از خود اداره اطلاعات رسیده بود موجب شده که او معلق و تحت محاکمه است بعد از آنکه قضیه معلوم شد ممکن است تجدید سؤال بفرمایند بنده عرض کنم و هم ممکن است در روزنامهجات که وسیله استخبار بجز آنها چیز دیگری نیست مستحضر شوند. نسبت بان قسمت دیگر که اشاره فرمودند راجع بان حساب این يك قضیه است که شاید مهمتر باشد و فعلاً هم بنده صلاح نمیدانم در این باب مذاکرات بکنم رئیس - ماده چهار از قانون بلدیة مطرح است. بقیه پیشنهادها قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده تبصره ماده چهار را بقرار ذیل اصلاح میکنم: تبصره - سهمی که در عوض عایدات نواقل و عوارض متفرقه دیگر به بلدیة ما تعلق میگیرد و متصدی وصول آن وزارت مالیه است و همچنین عایداتی که ممکن است در آئیه بوسیله وزارت مالیه یا ادارات دیگر برای بلدیة وصول و جمع آوری گردد باید به بلدیة هر محل تسلیم شود و ترتیب خرج و نظارت آن مطابق مقررات این قانون با خود

بلدیه خواهد بود

(کازرونی)

کازرونی - پیشنهادی در همین زمینه بنده و آقای دادگر تقدیم کردیم و بنده توضیحات خودم را موکول به توضیح ایشان میکنم و اینرا استرداد میکنم دادگر - استدعای کمی آن پیشنهاد را قرائت بفرمایند.

(پیشنهاد مزبور بشرح ذیل خوانده شد)

ما اضا کنندگان پیشنهاد می کنیم در تبصره ماده ۴ جمله (موجب قانون الغاء باج راهها مورخ ۱۹ بهماه ۱۳۰۴) حذف شود

دادگر - کازرونی

رئیس - بفرمائید

دادگر - عرض کنم در این پیشنهاد چندین منظور بکمربه مورد توجه است یکی خود جمله که این طور گفته شد که اگر این جمله موجود باشد و در مالیات راه تصرفی بشود در آینده اسباب اشکال برای بلدییه میشود. اگر مصوبات مجلس بطور اطلاق باشد اینطور است. بعلاوه در ماده چهار اینجاء گفته شد اشکالات زیادی است و مابین ماده چهار و ماده ۲۹ هم يك ارتباطاتی هست که باید مجموع این دو را اصلاح کرد و عقیده آقایان نمایندگان را که اختلاف پیدا کرده است در يك نقطه متمرکز داد. ما منظورمان بیشتر این است که این پیشنهاد مورد توجه بشود برود بکمیسسیون. تا اینکه پیشنهادات دیگر هم با این ماده چهار برود بکمیسسیون آنوقت میتوانیم با اشخاصی که در این مسئله اختلاف نظر دارند (با آقای مدرس هم همینطور تباری کردیم) در آنجا این ماده را اصلاح کنیم. برای این مقصود است برای تحصیل این نظر است که طرف توجه نشود و بر حسب آن ماده بکمیسسیون برود که با يك دقت بیشتری تهیه بشود.

رئیس - رأی گرفته می شود به پیشنهاد آقای دادگر

آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

فرضاً که نظر مخبر و کمیسسیون موافق با يك پیشنهادی باشد و آن ماده هم به کمیسسیون ارجاع شود معذالك باید از طرف پیشنهاد دهنده توضیحی داده شود.

نایب رئیس - ماده شصت و سه نظامنامه قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۶۳ - اصلاحاتی که در ضمن شور ثانوی پیشنهاد میشود در صورتی که از طرف کمیسسیون ارجاع آن خواسته نشود صاحب اصلاح بطور اختصار آرا توضیح و استدلال میکند و فقط اعضای کمیسسیون حق جواب دارند

نایب رئیس - پیشنهاد آقای بیات خوانده میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را بعنوان تبصره دوم ماده چهار پیشنهاد میکنم تبصره ۲ - اضافه عایداتی که در تبصره يك ماده سیم قانون مالیات راه و الغای عوارض و مالیاتهای بلدی مصوبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۰۴ مقرر شده است به تناسب تقسیم ۱۳۰۵ بین مؤسسات بلدییه و خیریه تقسیم شود از سنه ۱۳۰۶ اضافات مزبور بر حسب نظر وزارتین داخله و مالیه بنقاطی که در قسمت اولیه ۱۳۰۴ کمتر سهم برده اند تقسیم خواهد شد.

مرتضی قلیخان بیات

نایب رئیس - آقای بیات

مرتضی قلیخان بیات - در جلسه قبل هم بنده شرحی در این زمینه عرض کردم که ترتیب تقسیمی که سابقاً ما بین بلدییه ها شده از حیث عایدات نواقل و سایر عایدات بی تناسب بوده. زیرا بعضی نقاطی که در سرحد واقع شده اند از مال التجاره که حمل می شده است به سایر نقاط يك مالیات دریافت میکرده اند و آن مالیات ها با اضافه نواقل و غیره برای عایدات بلدییه آنجا مدرک شده ولی بعضی نقاط دیگر حتی آن

عایدات نواقل هم بهشان داده نمیشده بجهت اینکه عایدات نواقل را چنانچه آقایان در خاطر دارند وزارت مالیه جمع آوری میکرد و مخارج را از آن کسر میکرد و باقی را بلدییه آن محل میداد و از طرف وزارت مالیه هم اضافه مخارج خلی میشده مثلاً مخارج وصول مالیات غیر مستقیم را از این حقوق به بلدییه یعنی از عایدات نواقل میدادند و همینطور در بعضی از قسمتهای دیگر بعضی حقوق مأمورین را هم از محل نواقل میدادند و همین جهت در این قبیل نقاط مخارج خیلی زیاد بود و عایداتی که به بلدییه میرسید خیلی کم بود. در قانون الغاء مالیات باج راه هم این دقت ها نشده چون آن روزی که این قانون را میگذرانند از نقطه نظر اصول آن مالیاتها را موقوف کردند و شاید در آنوقت اطلاعات کافی هم در این زمینه در دست نبود اینطور تصمیم گرفته شد هر نقطه هر چه عایدی دارد همان را از عوائدی که عوض مالیات راه گرفته میشود بهش بدهند و بهمان تقسیم بین آن نقاط تقسیم کنند. بنا بر این حالا بعضی از نقاط هست که هیچ عایدی ندارد و با اگر دارد بهیچ وجه کفایت مخارجش را نمی کند. بنده حالا در اصل موضوع پیشنهادی نکردم و کفتم همان عایدی را که میبرند ببرند. فقط نظرم باضافات بود که دیگر اضافات به بعضی نقاط داده نشود و اضافاتی که می ماند بان نقاطی که هیچ عایدی ندارند یا کمتر از مخارجشان دارند داده شود. از این جهت بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم.

نایب رئیس - آقای طلوع عضو کمیسسیون هستید؟

طلوع - خیر.

مخبر - چون ماده ارجاع به کمیسسیون شده تقاضا میکنم پیشنهادات هم ارجاع شود به کمیسسیون تا در آنجا از روی دقت مطالعه شود و تحت شور در آید.

نایب رئیس - پیشنهادات ارجاع میشود به کمیسسیون

ماده پنج قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده پنج - حوزه بلدی عبارت است از شهر و اطراف آن تا حدود معینه تعیین و تغییر حوزه بلدی با پیشنهاد اداره بلدی و موافقت حکومت و تصویب انجمن محکم وزارت داخله خواهد بود.

کازرونی - بنده اخطار دارم.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی متأسفم که آقای وزیر داخله در اینجا نیستند که مسئله اساسی را که بنده بعرض مجلس میرسانم استماع بفرمایند. مادر قوانین در همه جا حکومت را مداخله میدهم. و در این جا نوشته است حوزه بلدی را انجمن بلدی با موافقت حکومت درست کند آقا: در صورتی ما می توانیم این کله را در قانون داخل کنیم که عملیات حکومت ها را در ولایات ندیده باشیم بنده الان مدلل میکنم و بعرض مجلس میرسانم که حکومت های ما در ولایات هیچ کار ندارند جز اینکه اسباب زحمت میشوند دو راه دارند که از این دو طریق اسباب صدمه و فشار مردم هستند یکی سجل احوال و یکی هم بلدی...

شیروانی - یکی هم انتخابات.

آقا سید یعقوب - انتخابات يك مسئله دیگری است و بنده حالا نمیخواهم وارد آن بشوم، بنده میخواهم عرض کنم که قوانین ما باعتبار اینکه مدنی نیست که از وضع آن گذشته و دور زمان پیدا نکرده و مردم نسبت بان قوانین صمیمیت پیدا نکرده اند از این جهت عمل بقانون را جزء عقیده و وظیفه خودمان نمیدانیم در مملکت با این اندازه که ما وزراء آوردیم و تغییر دادیم هیچیک شان بقانون ایمان نیاوردند و هنوز معتقد بقانون نیستند. اعتقاد بقانون از دو جهت است یا باید در مقابلش يك جزائی باشد و یا باید حقیقه بان علاقه مند باشیم. حالا بنده بیش از این نمیخواهم در این باب چیزی عرض کنم. بنده مدلل میکنم. رئیس الوزراء تلگراف می کند که بلدی شیراز را

تعطیل کنند. آنها يك بلدی قانونی را. و در جرائد هم مینویسند حکومت می گوید من تصمیم گرفتم بلدی قانونی تعطیل باشد و حال آنکه هیچ تصور نمی کنند که يك مؤسسه ملی هیچوقت قابل تعطیل نیست. در این ماده نوشته شده است «تعیین و تغییر حوزه بلدی با پیشنهاد اداره بلدی و موافقت حکومت و تصویب انجمن محکم وزارت داخله خواهد بود.» نسبت بان جزء آخرش که وزارت داخله است بنده مخالفم. امیدوارم وزارت داخله و هیئت وزراء خودشان را در مقابل مجلس واقعاً مسؤول بدانند تا ما بتوانیم با اقداماتشان موافقت کنیم. ولی با موافقت و دخالت حاکم بنده کاملاً مخالفم بعلمت اینکه تا کنون هیچ دیده نشده که يك حاکمی بجائی برود و قانون یا مؤسسات ملی را مراعات نکند و در هر جا که میرود غیر از اذیت و فشار مردم فائده دیگری ندارد.

بنده میدانم حتی حکومت های جزء چهار ماه که بولایات میروند وقتی که بر میگردند هر کدام چهار و پنج هزار تومان پول همراه میاورند و حال آنکه از حقوق ماهی صد تومان این قدر پول نمیشود پس انداز کرد و نمی شود انومبیل سوار شد. جز اینکه رئیس بلدی و رئیس سجل احوال را خودشان انتخاب کنند آنوقت با این دو مغناطیس بزرگ و این دو چنگال جان مردم را بگیرند. و بنده با این ترتیب جداً مخالفم و موافقت حکومت را بهیچوجه صلاح میدانم.

نایب رئیس - آقای کازرونی موافقت با مخالفید

کازرونی - بنده موافقم.

نایب رئیس - بفرمائید!

کازرونی - عرض میکنم که این ماده و مذاکرات در اطراف این ماده بهیچوجه بخوبی و بدی حکومت راجع و مربوط نیست. حکومت خوب است یا بد است ما کاری بان کار نداریم. ما میخواهیم حوزه بلدی را معین کنیم و ببینیم که حدود و ثغور حوزه بلدی تا

کجا است. آیا مثلاً تمام قری و قصبات اطراف هم جزو حوزه بلدی است یا منحصراً شهر و حومه است؟ این است که گفته اند انجمن و حکومت باید بنشینند و توافق نظر پیدا کنند و بوزارت داخله پیشنهاد کنند و وزارت داخله هم بدون ملاحظه دلائل آنها را بسنجد و تصویب کند. اگر انجمن بلدی حق نداشته باشد که دخالت کند حکومت هم حق نداشته باشد موافقت کند. وزارت داخله هم حق نداشته باشد که تصویب کند پس که حق دارد و چطور باید حوزه بلدی تعیین شود؟ بنا بر این این مسئله هیچ مربوط بفرمایش آقا نیست. و الا اساساً بنده با فرمایشات آقا موافقم. حکام که سهل است. ما اساساً خوب است نظیرمان را قدری توسعه بدهیم و دور تر بیندازیم و به بینیم چه خبر است و تعدیات از از کجا ناشی است؟! در هر صورت بنده می خواهم عرض کنم که این ماده هیچ مربوط بفرمایش آقا نیست جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

نایب رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم کله با موافقت حکومت حذف شود

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی متأسفم که در يك مجلس با این عظمت کله که بنده میگویم صریحاً برخلاف تعبیر میشود. آقا! محضاً لله ملاحظه بفرمائید و درست استماع بفرمائید. بنده صورت مجلس را بشهادت میگیرم بنده کی گفتم انجمن بلدی را تشکیل ندهند؟! بنده يك کله گفتم که موافقت حکومت در این امر صلاح و مقتضی نیست. و عرض کردم خویش این شرط در این ماده نباشد. و همینقدر بتشخیص اداره بلدی و تصویب اعضاء انجمن و موافقت وزارت داخله باشد. بنده کی این حرف هائی را که شما زدید گفتم؟! پس خوب است لله بحرف آدم گوش بدهید. آن وقت بفرمائید تو فلان حرف را گفتی. چرا کردن من این حرف ها را

میگذاری؟! بنده گفتم تا ما حکومت عادل پیدا نکرده ایم که مطابق قانون رفتار کنند خوب است آنها را در این قبیل امور مداخله ندهیم و از همین نقطه نظر بود که این پیشنهاد را کردم.

نایب رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بود پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقابانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(چند نفری قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای عمادی

(باین عبارت خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده پنج بعد از جمله و تصویب انجمن جمله ذیل را ضمیمه نمائید.

بتوسط وزارت داخله بمجلس تقدیم شود پس از تصویب مجلس وزارت داخله مأمور اجرا باشد.

نایب رئیس - آقای عمادی

عمادی - عرض کنم چون امر تعیین و تغییر یکی از موضوعات مهمه است بطوری که عمل اختلاف ممکن است واقع شود و حکم حکومت در تعیین و اجرای آن قاعده وارد است از آنطرف بفرمایش آقای آقا سید یعقوب حکومت را هم که نمی توان در امور ملی مداخله داد باین جهت بنده پیشنهاد کردم که در مورد اختلاف این قبیل امور ملی (چون پارلمان فوق تمام مؤسسات ملی است) به مجلس شورای ملی پیشنهاد کنند و هر طور که مجلس شورای ملی تصویب کرد وزارت داخله آنرا اجرا کند. در واقع وزارت داخله مأمور اجرا باشد و الا حکم او برسمیت شناخته نخواهد شد.

نایب رئیس - آقای داد کر

داد کر - عرض کنم گرچه بر بنده ثقیل است که فرمایشات آقای عمادی را تردید کنم ولی مجلس برای کار های اساسی و عمده است و برای کار های عمومی

است. برای کار های شهری بطوری که یکی از آقایان فرمودند انجمن بلدی معین شده که خود او يك مجلس كوچك محلی است. که لوايح و چیز های اختصاصی بلد در آنجا انجام میگردد و تصویب میشود و اگر ملاحظه بفرمائید قانون اساسی برای تغییر ایالات و ضمیمه يك نقطه بيك نقطه دیگر مجلس شورای ملی را حاکم قرار داده است. برای اینکه این مسئله مهم است ولی در مورد يك چیز های كوچك و چیز های بزرگ جنبه خصوصی دارد و بلدی است بعقیده بنده خوب است آقای هم موافقت بفرمایند که همان انجمن بلدی اظهار نظر کند. و الا اگر بنا شود این جزئیات بمجلس شورای ملی مربوط شود اولاً مجلس وقت ندارد که باین امور جزئی دخالت کند بعلاوه ضرور هم نیست. اگر ایشان از مامورین دولتی نگران هستند آنها که مامورین دولتی نیستند آن ها مثل بنده و آقای عمادی هستند از طرف مردم معین میشوند فقط بامور شهری رسیدگی میکنند و حدود مامورینشان محدود است. آنها هم از شهر مبعوثند و اظهار نظرشان در باب شهر مجاز است

نایب رئیس -- رأی میگیریم پیشنهاد آقای عمادی آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(چند نفری قیام نمودند)

نایب رئیس -- تصویب نشد. رأی گرفته میشود به ماده پنج آقایانیکه ماده پنجم را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده زیادی برخاستند)

نایب رئیس -- تصویب شد. ماده شش

(باین مضمون خوانده شد)

ماده ۶ - منابع انحصارات و امتیازات بلدی و منافع حاصله از آنها ببلدیه اختصاص دارد و بمباشرت مستقیم و بانظارت بلدیه اداره میشود

نایب رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم

نایب رئیس -- آقای دادگر

دادگر - موافقم

نایب رئیس -- آقای شیروانی

شیروانی - عرض کنم که این ماده قدری گنگ است. برای اینکه مقصود از امتیازات بلدی چیست؟ ممکن است این امتیازات راجع بيك کارخانجات و مؤسسات باشد که قهراً آن مؤسسه باید در شهر تاسیس ولی منافع و استفادات یا مخارجش شامل خارج از شهر هم بشود. بطوریکه دهات هم علاقه مند باین مؤسسه باشند و ممکن است عایدات آنجا را بیشتر دهات نامین کنند مثلاً مثل برنج در گیلان و مازندران. که در این نقاط کارخانجات برنج پاك كفی هست که شالی را تبدیل به برنج میکنند این کارخانجات غالباً در خود شهر ها است ولی شالی را از دهات میآورند و در آن کارخانجات مزد میدهند و برنج میکنند. مقصود این است که اهالی دهات منافع این کارخانه را نامین میکنند و اینکه نوشته عایداتی که از این ها حاصل میشود باید صرف شهر نشود به عقیده بنده خوب نیست و دهات هم باید بيك استفاده هائی بکنند و آنها هم باید حق داشته باشند که از این امتیازات استفاده کنند البته بيك چیز هائی است که منحصرأ مربوط بشهر است مثل امتیاز چراغ برق که منحصرأ مربوط بشهر است و اگر بيك عایدی هم داشته باشد باید صرف بلدیه شهر بشود ایکن خیلی امتیازات دیگر هست که گرچه مؤسسه اش در شهر تشکیل میشود ولی دهات هم در آن ذی نفع و شریکند. حالا تشخیص این موارد را بنده نمیدانم چطور میشود داد. لابد این موضوع در کمیسیون هم طرف بحث و مذاکره واقع شده است. پس بهتر این است که اعضاء محترم کمیسیون بيك توضیحات مفصل تری بدهند تا ما قانع شویم.

نایب رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده توجه میدهم آقای شیروانی

را بيك نکته که هنوز هم ما کمتر بان متوجهیم. و آن این است که تمام نحمیلات را اهالی شهر میکشند همان مسئله را که مثل زدبند و در موضوع شالی فرمودید که از بیرون شهر میآورند درست می کنند همان را هم اهالی دهات مازادش را روی قیمت برنج میکشند و با اهالی شهر میفرشند بعلاوه بطوریکه در ماده اول این قانون ملاحظه بفرمائید ما منحصر کردیم و گفتیم بلدیه باید در شهر ها تاسیس شود. ما نمی توانیم در دهات هم حوزه بلدی تشکیل بدهیم. پس حالا که نمیتوانیم و بلدیه باید در شهر ها تشکیل شود از منافع و عوائد شهر هم باید اداره شود. وقتی که این کار شد پس قهراً کارخانجات و مؤسسات که در شهر ها هست منافعش که از آنها حاصل میشود باید بمخارج و مصارف شهر ها برسد. شما میفرمائید مثلاً ماده خامش را دهات تهیه میکنند و میآورند بشهر. بنده عرض میکنم آن وجهی را که می دهند در واقع بر میگردد بخود شهر. مثلاً ما برای هیزم بيك مالیاتی معین کردیم. مگر آن مالیات را دهاتی میدهد؟ خیر. شهری آن مالیات را میدهد. همینطور تمام مالیات هائی که ما روی فوا که و سایر چیز ها قرار دادیم همینطور است و درست که ملاحظه بفرمائید می بینید شهری ها آن مالیات را میدهند نه دهاتی ها. و حقیقت امر این است که این نحمیلات باز متوجه اهالی شهر میشود حالا اگر بنا شود ما بيك توسعه هم در امور دهاتی ها قرار دهیم آن ترتیب علیحده دارد و باید بوسیله اصلاح وضعیت فلاح و زراعت ترتیبانشان را مرتب کنیم. و الا در این مورد نحمیلات بر شهری ها است نه بر دهاتی ها. و اگر زیادتی پیدا شود بر اهالی شهر نحمیل می شود نه بر اهالی دهات. و چون تمام این مصارف نحمیل بر شهر ها میشود از این جهت ما گفتیم منافع آن هم باید بمصرف شهر ها برسد و صرف بلدیه شهر ها

نایب رئیس -- آقای کازرونی
کازرونی - اولاً بنده لازم میدانم نظریه را که آقای آقا سید یعقوب فرمودند مشعر بر اینکه تمام نحمیلات متوجه اهالی شهر میشود زدبند کنیم. زیرا حقیقت این نحمیل بر کسی که آنها را ایجاد میکند. میشود و در واقع وجود واقعی همان دهاتی بیچاره است. آن کسی که مالیات میدهد همان صاحب جنس و محصول است که برای فروش تهیه کرده و بشهر آورده. هر چه نحمیل میشود بر آن بیچاره است. هر چه مالیات و نحمیلات زیاد تر شود آن بیچاره مجبور است محصولش را ارزان تر بفروشد یعنی مالیات در واقع از قیمت محصول او موضوع خواهد شد. این عرض بنده برای رفع اشتباه آقای آقا سید یعقوب بود که لازم بود عرض کنم. ولی بنده بعنوان مخالف میخواهم توضیحی بخواهم اینکه این ماده میگوید: منابع انحصارات و امتیازات بلدی و منافع حاصله از آنها به بلدیه اختصاص دارد. این یعنی چه؟ بنده درست معنی این عبارت را نمی فهمم. مثلاً بنده بيك امتیاز چراغ برق گرفته ام برای بندر بوشهر عوایدی که این امتیاز دارد منحصرأ اختصاص به بلدیه بوشهر دارد؟ اگر این طور است باید در جزو منافع و بودجه عمومی نیاید.

اگر مقصود این است عواید حاصله از چراغ برق اختصاص به بلدیه داشته باشد که بنده کاملاً موافقم. ولی خوب است توضیحی داده شود که من بعد از بودجه عمومی خارج شود. عرض دوم بنده راجع بانحصار است فرضاً بيك معدنی در بيك حوزه بلدی وجود دارد و بيك کسی امتیاز انحصار این معدن را از دولت گرفته. خوب در منافع حاصله اش چه میفرمائید؟ آیا منافع حاصله این معدن که امتیاز انحصارش بيك شخصی داده شده منحصرأ مال بلدیه است. یا نه؟ بهر حال باید بيك توضیحاتی داده شود تا من بعد اسباب اختلاف نظر و اشکال نشود. این است حرف بنده. در هر صورت آقای شیروانی

هم يك توضیحی خواستند و يك تذکری دادند مبنی بر اینکه يك امتیازات و انحصارات و عوائدی است که اگر درست دقت شود باید اهالی دهات هم از آن استفاده کنند. این مسائل بعقیده بنده باید روشن شود فرمودند مادر دهات بلديه نخواهیم داشت. چرا نخواهیم داشت راست است که در این قانون پیش بینی نشده لیکن بالاخره آنها را هم ما نباید از تمام حقوق محروم کنیم البته برای دهات هم باید يك توسعه هائی در نظر گرفت فرضاً باسم بلديه هم نباشد بعنوان دیگر باسم صحیه و چیزهای دیگر باید مراعات حال آنها را هم کرد و نباید آنها را کاملاً محروم کرد

نایب رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم که بنظر بنده مسئله نظری نبود حالا از کجا اینطور شد بنده نمیفهمم. امتیاز و انحصارات يك چیزی است که ضرر و نفعش باید تمام مملکت شود. مثلاً فرض بفرمائید که عوائد نطف جنوب مگر منحصر است به عبادان که نطف از آنجا جاری است؟ خیر. بلکه يك چیزی است که مال همه مملکت است. ولی يك امتیازات و يك چیز هائی است که منحصر به شهرها است. مثلاً مثل اتوبوس رانی و لوله کشی و چراغ برق که این قبیل امتیازات محلی است و منافع و مضارشان منحصراً مربوط بشهر است. و این قید بلدی همان قیدی است که اینها را از مجلس شورای ملی تجزیه میکند و دسته دسته میکند. ما آن نوع انحصارات را که عوائد و خرج و دخلش در بلد ها صورت میگیرد قرار دادیم جزو بلديه شهرها باشد و این خیلی واضح و مبرهن است.

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است.

نایب رئیس -- پیشنهاد آقای احتشام زاده قرائت

میشود.

(بمبارت آتی خوانده شد)

و باید در نظامنامه قید شود که علامت بلديه فلان باشد بنده از نقطه نظر قانون نویسی با این قسمت مخالفم.

نایب رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم این جا با آقای احتشام زاده مذاکره میگردیم یعنی قراول میرفتیم که به بینیم در این ماده کی حرف میزند. بجهت این که این ماده از آن ماده هائی است که گمان نمیگردیم کسی درش حرف بزند و از ماده های بسیار صحیح است زیرا علامت بلدی بسکی از قسمتهای مهم قانون بلدی است. ما قانون علائم صنعتی را در مجلس گذرانیدیم و برای کارخانه ها در مجلس شورای ملی این مسئله را پیش بینی کردیم و بالاخره این چیز خون است چون قانون بلديه مهم است و جایش هم همین جا است و باید قید شود زیرا یکی از مسائل اساسی است جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

نایب رئیس -- رأی گرفته میشود به ماده هفتم آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس -- تصویب شد

بعضی از نمایندگان -- ختم جلسه

بیات -- بنده مخالفم

نایب رئیس -- فرمائید

مرآضی قلبیخان بیات -- عرض کنم الان ده دقیقه از ظهر گذشته و هر روز تا یک ساعت بعد از ظهر کار میشد امروز فقط دو سه ماده ما درش مذاکره کرده ایم بعقیده بنده خوب است جلسه ادامه داشته باشد که کار پیدش برود و آقایان اجازه بدهند که چند ماده دیگر هم تصویب شود

نایب رئیس -- رأی میگیریم آقایان که باختم جلسه موافقند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس -- اکثریت است. جلسه ختم میشود.

جلسه آنبه روز یکشنبه دستور هم بقیه لایحه بلدی.

(مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس -- تصویب شد. ماده هفتم قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۷ -- علامت مخصوص بلديه عبارتست از دور نمای دروازه که شیر ابستاده با خورشید و شمیر در جلوی آن روی کلید رسم شده باشد و بلديه هر شهر مهر مخصوص بنام آن شهر خواهد داشت

نایب رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- عرضی ندارم

نایب رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- موافقم

نایب رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده مخالفم. مخالفت بنده از این

جهت است که خود آقای دادگر و اعضاء کمیسیون

باید تصدیق کنند که این مال نظامنامه است نه قانون